

## درآمدی بر فرهنگ کورا-ارس در دشت قزوین، با تکیه بر مواد فرهنگی تپه شیزر

### چکیده

تا پیش از انقلاب، تنها دو محوطه از فرهنگ کورا-ارس در دشت قزوین ثبت شده بود. طی بررسی‌های انجام‌شده از دهه ۸۰ خورشیدی به بعد، هشت محوطه با فرهنگ کورا-ارس در دشت قزوین شناسایی و یکی از آنها کاوش شده است؛ با این وجود تمرکز چندانی برای شناخت ویژگی‌های این فرهنگ در منطقه نشده است. در نبود پژوهشی مستقل درباره این فرهنگ در منطقه، آنچه در نوشتار پیش رو در پی آنیم، درک ویژگی‌های فرهنگ کورا-ارس علیرغم تعداد کم محوطه‌ها است و طی آن بر جنبه‌هایی از فرهنگ کورا-ارس چون معماری، سفال و اقتصاد معیشتی عمدتاً با تکیه بر مواد فرهنگی تپه شیزر تمرکز نموده و از مواد فرهنگی سایر محوطه‌های این فرهنگ در منطقه نیز بهره جسته‌ایم. ویژگی‌های فرهنگ کورا-ارس در منطقه و شباهت‌ها و تفاوت‌های آن با سایر مناطق گستره این فرهنگ، اصلی‌ترین پرسش نوشتار حاضر است که به کمک مجموع یافته‌ها در سه بخش پژوهش‌های تکمیلی میدانی، علوم میان‌رشته‌ای و مطالعات کتابخانه‌ای با بهره‌گیری از روش قیاسی-استقرائی در پی پاسخ به آنیم. اکنون به یاری این پژوهش می‌دانیم که الگوی مشخصی در معماری این فرهنگ وجود دارد که تا دوره‌های بعد نیز تداوم یافته است. سفال‌های آن نیز شباهت‌های کلی از منظر فرم و نقش با نمونه‌های بدست آمده از دیگر مناطق تحت گستره این فرهنگ دارند اما به گونه‌ای مشخص در گذر از آغاز این فرهنگ در منطقه به پایان آن، از فراوانی سفال‌های منقوش‌کنده و نیز تنوع نقش‌مایه‌ها به شدت کاسته شده است. شیوه تولید سفال در این دوره در منطقه پژوهش به احتمال از نوع صنایع خانگی یا صنایع کارگاهی بوده است. اقتصاد معیشتی آن نیز ترکیبی از کشاورزی بر مبنای غلات و باغداری با کاشت انگور و پرورش گوسفند و بز است. این فرهنگ در محدوده پژوهش قابل تاریخ‌گذاری به نیمه نخست هزاره سوم پ.م. و همزمان با مرحله کورا-ارس II است.

**واژه‌های کلیدی:** دشت قزوین، فرهنگ کورا-ارس، عصر مفرغ قدیم، تپه شیزر، کشاورز-دامپرور

### مقدمه

فرهنگ کورا-ارس با سه مرحله<sup>۱</sup> کورا-ارس I، II و III (Batiuk & Rothman, 2007) گستره جغرافیایی وسیعی در بخش قابل توجهی از آسیای غربی در اواخر دوره مس‌سنگی و طول عصر مفرغ دارد که از منظر جغرافیای سیاسی شامل بخش‌هایی از ایران، جمهوری آذربایجان، ارمنستان، گرجستان، شرق و جنوب شرق ترکیه، بخش‌هایی از شمال عراق و شمال شرق سوریه می‌گردد. این فرهنگ در ایران گستره قابل توجهی از شمال غرب، غرب تا بخش‌هایی از شمال مرکزی و سواحل جنوبی دریای مازندران خصوصاً در دو مرحله پایانی خود (کورا-ارس II و III) دارد. از میان مناطق یادشده، سواحل جنوبی دریای مازندران و شمال فلات مرکزی به طور عام و دشت قزوین به طور خاص در مقایسه با آذربایجان و زاگرس مرکزی کم‌تر شناخته و مطالعه شده‌اند.

دشت قزوین از گذشته مورد توجه باستان‌شناسان بوده و فعالیت‌های باستان‌شناختی زیادی در محدوده این دشت خصوصاً در دوران پیش‌ازتاریخ به انجام رسیده؛ اما سهم مطالعات مرتبط با عصر مفرغ قدیم و به ویژه فرهنگ کورا-ارس در آن بسیار ناچیز و محدود به شناسایی چند محوطه طی بررسی‌های باستان‌شناختی و کاوش در یک محوطه بوده که به جز موارد انگشت‌شمار مطالعه چندانی در خصوص این آثار انجام نگرفته و نادانسته‌هایمان به مراتب از دانسته‌هایمان بیش‌تر است. این مسأله زمانی اهمیت بیش‌تری می‌یابد که بدانیم در گاهنگاری فلات مرکزی و دشت قزوین از گذشته تا به حال همواره خلاء مرتبط با عصر مفرغ نمود داشته (نگهبان، ۱۳۵۶: جدول ۳؛ ملک شه‌میرزادی، ۱۳۸۲: ۵۳۹؛ Fazeli, 2001: Tab 3.3; Fazeli et al., 2013: 247; Matthews & Fazeli, 2022: 122) و در مواردی که این مرحله در جداول گاهنگاشتی لحاظ شده، یا از نتایج مناطق فرهنگی-جغرافیایی دیگر ایران مانند زاگرس مرکزی استفاده شده (Dyson, 1991: Tab. 2) و یا تکیه پژوهشگران تنها بر فازهای میانی و جدید عصر مفرغ سگزآباد بوده است (وایت و دایسون، ۱۳۸۲: ۲۰۴، جدول ۲). در آخرین جدول گاهنگاری فلات مرکزی نیز به تمامی مراحل عصر مفرغ توجه نشده (Fazeli et al., 2009: Tab. 7) و آن جدول نیز لااقل در ارتباط با عصر مفرغ کاستی‌هایی دارد. مطالعه یافته‌های موجود فرهنگ کورا-ارس در دشت قزوین می‌تواند گامی مؤثر در درک هرچه بهتر گاهنگاری منطقه بوده و پرتوی هرچند اندک بر تاریکی نادانسته‌هایمان بیفکند. به علاوه به مدد همین یافته‌های اندک امکان بازسازی برخی از ویژگی‌های این فرهنگ

مانند معماری، سفالگری و اقتصاد معیشتی وجود دارد. هدف اصلی در نوشتار پیش رو بر شناسایی ویژگی‌های این فرهنگ در دشت قزوین و درک شباهت‌ها و تفاوت‌های آن با سایر مناطق تحت گستره این فرهنگ در ایران است.

**پرسش و فرضیه پژوهش:** با در کنار هم نهادن یافته‌های کاوش شیزر و مواد فرهنگی سطحی بدست آمده از بررسی‌ها، مهم‌ترین پرسش این است که آیا در این محدوده با فرهنگ مادی همگنی در ارتباط با گستره فرهنگ کورا-ارس مواجهیم؟ موارد اشتراک و افتراق چیست؟ بر مبنای مطالعات اولیه، فرض این است که شباهت‌های قابل توجهی در فرهنگ مادی بین منطقه پژوهش و گستره این فرهنگ در ایران خصوصاً سفال‌ها و سپس معماری و اقتصاد معیشتی وجود دارد اما برخی تفاوت‌های منطقه‌ای نیز دیده می‌شود.

**روش پژوهش:** یافته‌های مورد استفاده در این پژوهش از سه راه پژوهش‌های میدانی باستان‌شناختی، علوم میان‌رشته‌ای و مطالعات کتابخانه‌ای به دست آمده‌اند و تلاش می‌شود تا با بهره‌گیری از روش قیاسی-استقرائی فرضیات مطروحه سنجیده شوند.

### موقعیت و ویژگی‌های جغرافیایی و زمین‌شناسی

دشت قزوین در مرکز استان قزوین واقع شده و از منظر باستان‌شناختی بخشی از حوزه فرهنگی-جغرافیایی فلات مرکزی و از نظر ویت و دایسون در شمال مرکزی ایران قرار دارد (Voigt & Dyson, 1992). از نظر نگهبان (۱۳۵۱: ۶) دشت قزوین از شمال به کوه‌های البرز، از جنوب به کوه‌های رحمان، از مشرق به کرج و از مغرب به مناطق طارم، منجیل و زنجان محدود می‌گردد. از نظر ورجاوند (۱۳۴۹: ۳) این دشت از شمال به دامنه‌های جنوبی البرز، از غرب به ارتفاعات موازی چرگر، از جنوب به ارتفاعات رامند و از سمت شرق به دشت ساوجبلاغ محدود می‌شود. وی وسعت آن را ۷۱۲۵۰۰ هکتار (ورجاوند، ۱۳۷۷) محاسبه نموده اما مساحت ۴۴۳۰۰۰ هکتار نیز برای آن ذکر شده است (آصف‌زاده، ۱۳۷۴: ۵).

استان قزوین در محل تلاقی دو رشته‌کوه البرز و زاگرس قرار داشته و اختلاف ارتفاعی بیش از ۳۸۰۰ متر و بوم‌سازگان بسیار متنوعی دارد. میزان بارندگی در این منطقه از ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلی‌متر در نوسان بوده و منطقه جزو مناطق نیمه‌خشک به‌شمار می‌آید. منابع آبی زیرزمینی آن در عمق زیاد قرار دارد (زنده‌دل، ۱۳۷۷: ۲۵). منابع آبی آن شامل چشمه‌ها و رودها، از جمله اهررود، خررود، رودخانه طالقان (الموت) و حاجی عرب است. رودخانه شور که از به هم پیوستن رودخانه‌های خررود، حاجی عرب، گردان و مسیل‌های مختلف بوجود می‌آید، بزرگ‌ترین رودخانه دشت قزوین است که به دریاچه حوض سلطان می‌ریزد (آصف‌زاده، ۱۳۷۴: ۵).

### پیشینه پژوهشی

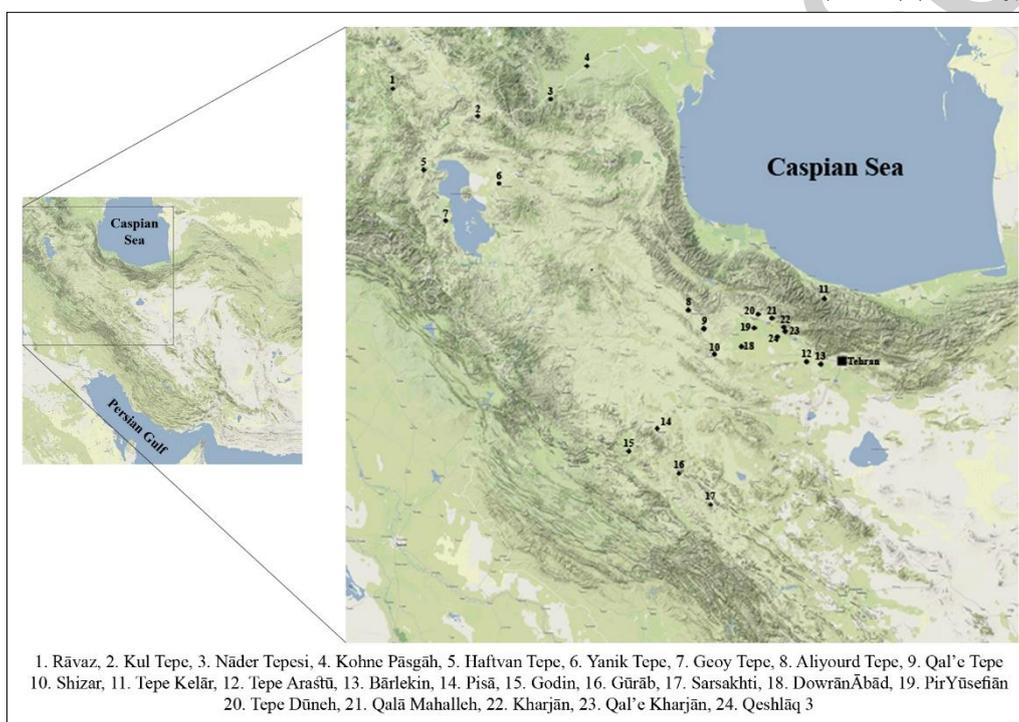
شاید بتوان بررسی احمد امیرماهانی در دشت قزوین و گمانه‌زنی وی در تپه قبرستان را نخستین فعالیت باستان‌شناختی در محدوده دشت قزوین دانست، هرچند که گزارشی در پی نداشت (نگهبان ۱۳۷۶: ۱۳). سپس دو هیأت باستان‌شناسی خارجی به مدت دو هفته در تپه سگزآباد کاوش‌هایی انجام دادند که نتیجه و انتشارات خاصی به بار نیاورد (نگهبان، ۱۳۷۶: ۳۱۴). پس از آن کاوش‌های مؤسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۹ در محوطه سگزآباد (نگهبان، ۱۳۵۱) آغاز شد و از آن زمان تاکنون، کاوش در تپه‌های سگزآباد، قبرستان و زاغه با فراز و فرودهایی ادامه یافته است. از آنجاکه فعالیت‌های میدانی در دشت قزوین پرتعداد بوده‌اند در اینجا به موارد مرتبط با عصر مفرغ می‌پردازیم. بیشترین کاوش‌ها در تپه سگزآباد انجام گرفته است (مجیدزاده، ۱۳۵۶؛ ملک شه‌میرزادی، ۱۳۵۶؛ طلایی، ۱۳۷۶؛ ۱۳۷۸؛ نیکنامی، ۱۳۸۷؛ نیکنامی و عزیزی خرائقی، ۱۳۸۸؛ نیکنامی و دیگران، ۱۳۸۸؛ یداللهی و عزیزی خرائقی، ۱۳۸۹؛ فاضلی نشلی و دیگران، ۱۳۹۰؛ Talai 1983, 1984). به جز کاوش، بررسی‌هایی نیز توسط گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران انجام شده که نخستین مورد آن توسط زنده‌یاد دکتر نگهبان صورت پذیرفت اما هیچ اطلاع مکتوبی از آن موجود نیست و تنها می‌دانیم که در حدود ۳۰۰ محوطه از دوران‌های مختلف در آن شناسایی شده است (فاضلی نشلی و عباس‌نژاد سرستی، ۱۳۸۵: ۱۸۳). هوشنگ عظیم‌زاده در سال ۱۳۵۵ بخش آبیگ قزوین را بررسی و طی آن ۵۶ محوطه شناسایی نمود و ۲۷ مورد از آنها را ثبت کرد (عظیم‌زاده، ۲۵۳۵). فاضلی نشلی در سال ۱۳۸۲ دشت قزوین را بصورت پیمایشی ارگانیک و تصادفی بررسی نمود که طی آن ۶۲ محوطه شناسایی گردید (فاضلی نشلی و عباس‌نژاد سرستی، ۱۳۸۵). تعدادی از این محوطه‌ها پیش‌تر توسط عظیم‌زاده شناسایی شده بودند مانند تپه هزارجلفا، زاغه ۲، محمودیان، زعفران‌تپه، قره‌قباد، حسین‌آباد و میان‌پالان. دو فصل بررسی نیز در شهرستان بوین‌زهرا توسط ملاصالحی انجام شد (ملاصالحی، ۱۳۸۷؛ ۱۳۸۶). دیگر کاوش‌های مرتبط با عصر مفرغ در دشت قزوین عبارتند از: کاوش در تپه شیزر تاکستان به سرپرستی حمیدرضا ولی‌پور (ولی‌پور، ۱۳۸۵) و کاوش در تپه شیره‌تل توسط محمدرضا عسگری (۱۳۹۶). به این موارد می‌توان بررسی تیم کاوش

تپه نرگه در حوضه آبریز خروود و شناسایی تپه شیزر (گنجوی، ۱۳۷۹) و بررسی شهرستان آبیگ (رضایی کلج، ۱۳۸۴؛ مافی، ۱۳۸۵؛ مافی و آخوندی، ۱۳۸۸؛ مافی و آخوندی، ۱۳۸۹) را نیز افزود. همانگونه که مشخص است سهم فعالیت‌های باستان‌شناختی مرتبط با عصر مفرغ خصوصاً مفرغ قدیم و به طور ویژه فرهنگ کورا-ارس بسیار ناچیز است.

### محوطه‌های فرهنگ کورا-ارس در دشت قزوین

محوطه‌های فرهنگ کورا-ارس در دشت قزوین عمدتاً از طریق بررسی‌های باستان‌شناختی شناسایی شده‌اند. از این طریق می‌دانیم که نه محوطه با فرهنگ کورا-ارس در دشت قزوین وجود دارد که یکی از آنها کاوش شده است. نکته جالب این است که بر اساس گفتگوی شخصی نگهبان و دایسون یک محوطه مربوط به فرهنگ کورا-ارس در یک کیلومتری جنوب غربی تپه سگزآباد طی بررسی‌های نگهبان شناسایی شده بود (ویت و دایسون، ۱۳۸۲: ۱۴۶) که متأسفانه امروز اثری از آن بر جای نیست.

تپه‌های دوران‌آباد، پیروسیفیان (فاضلی نشلی و عباس‌نژاد سرستی، ۱۳۸۵)، قلامحله، دونه، خرجان، قلعه خرجان (مافی و آخوندی، ۱۳۸۸؛ مافی و آخوندی، ۱۳۸۹) و تپه قشلاق ۳ (سلطانیه، ۱۳۸۰) طی بررسی ثبت شده‌اند. تنها محوطه کاوش شده از این فرهنگ تپه شیزر است (ولی‌پور، ۱۳۸۵) (نقشه ۱).



نقشه ۱: محوطه‌های کاوش شده کورا-ارسی (۱ تا ۱۷) و محوطه‌های کورا-ارسی دشت قزوین (۱۰ و ۱۸ تا ۲۴) (نگارندگان، ۱۴۰۴)

Map 1: Kura-Araxes excavated sites (1-17) and Kura-Araxes sites in Qazvin plain (10, 18-24) (Authors, 2025)

جدول ۱: محوطه‌های کورا-ارسی دشت قزوین (نگارندگان، ۱۴۰۴)

Tab. 1: Kura-Araxes sites in Qazvin plain (Authors, 2025)

ردیف	نام محوطه	ارتفاع	ارتفاع از سطح دریا	وسعت (هکتار)	موقعیت	دوره پیشنهادی	ارجاع	توضیحات
۱	تپه شیزر	۱۹	۱۵۴۱	۱/۳	۸۰۰ متری شمال روستای شیزر	مس سنگی، مفرغ قدیم، میانه و جدید، آهن	ولی‌پور، ۱۳۸۵	کاوش شده
۲	تپه دوران‌آباد	۱۲	۱۳۴۲	۶	۱۱ کیلومتر شمال غرب سگزآباد	مفرغ و آهن	فاضلی نشلی و عباس‌نژاد سرستی، ۱۳۸۵: ۱۸۶	-
۳	پیروسیفیان	-	۱۲۳۱	۱۳	نزدیک روستای پیروسیفیان	مفرغ و آهن	فاضلی نشلی و عباس‌نژاد سرستی، ۱۳۸۵: ۱۹۰	-
۴	تپه دونه	۳	۱۵۰۵	۱	دو کیلومتری جنوب روستای رشتقون	مفرغ و آهن	Kleiss, 1996: 36, 40, Abb. 18	مس سنگی نیز دارد.
۵	تپه قلامحله	-	۱۹۴۹	۱	شرق روستای چناسک	مس سنگی، مفرغ، آهن، تاریخی و اسلامی	مافی، ۱۳۸۵: ۱۴۵	-
۶	تپه خرجان	۸	۱۴۳۲	۱/۵	شرق روستای خوزنان	مس سنگی، آهن، تاریخی و اسلامی	مافی و آخوندی، ۱۳۸۹: ۸۰	کورا-ارس نیز دارد.

۷	قلعه خرجان	-	۱۷۳۳	۰/۳	۱۶۴۰ متری جنوب شرق روستای خوزنان	آهن III	مافی و آخوندی، ۱۳۸۹: ۹۱	-
۸	تپه قشلاق	۱۵	۱۱۹۴	۴/۵	۱۵۶۰ متری شمال غرب روستای احمدآباد	پیش از تاریخ، تاریخی و اسلامی	سلطانیه، ۱۳۸۰	در پرونده ثبتی دو هکتار

### تپه شیزر

۳۵ کیلومتری جنوب تاکستان، نزدیک روستایی به همین نام از توابع دهستان دودانگه سفلی، ۱/۶ کیلومتری جنوب خررود، ۱۹ متر ارتفاع، ۱۵۴۱ متر بالاتر از سطح دریا (تصویر ۱). کاوش لایه‌نگاشتی دو ترانسه پلکانی در بخش شمالی تپه در سال ۱۳۸۵ به سرپرستی حمیدرضا ولی‌پور. علی‌رغم کاوش حدود ۱۷ متر از نهشته‌های فرهنگی تپه، دستیابی به خاک بکر میسر نگردید. خاک‌برداری‌های مداوم جهت استفاده در زمین‌های کشاورزی، منجر به تخریب بخش بزرگی از تپه شده و با توجه به شواهد سطحی محوطه وسعتی چندین برابر امروز داشته است.



تصویر ۱: تپه شیزر، دید از شمال غرب (ولی‌پور، ۱۳۸۵: ۱۱۴)

Fig. 1: Tappeh Shizer, view from the northwest (Valipour, 2006: 114)

ترانسه I در حدود ۳/۵ متری پایین‌تر از راس تپه و تقریباً در بالاترین قسمت از دیواره شمالی محوطه ایجاد شد. عرض این ترانسه دو متر بوده و طول آن با توجه به قرار داشتن در شیب تپه متغیر بود. هشت متر از نهشته‌های این تپه در ترانسه I خاک‌برداری گردید که منجر به تشخیص ۵۲ کانتکست شامل بقایای معماری (مانند سازه‌های سنگی و خشتی، کف و اجاق)، نهشته‌های فرهنگی و لایه فرسایشی شد. در ترانسه I آثاری از مرحله نخست عصر آهن و مراحل جدید و میانی عصر مفرغ و در ۵۰ سانتی‌متر پایین آن آثار مفرغ قدیم شناسایی گردید.

کاوش در ترانسه II در امتداد ترانسه I و با ابعاد مشابه آن انجام شد. نه متر از لایه‌ها و نهشته‌های تپه در ترانسه II خاک‌برداری گردید که منجر به تشخیص ۵۳ شامل بقایای معماری (مانند سازه‌های سنگی، خشتی، و حرارتی، کف و سکو)، نهشته‌های فرهنگی و لایه‌های فرسایشی شد. در ترانسه II نیز آثاری از عصر مفرغ قدیم (فرهنگ کورا-ارس) و دوره مس‌سنگی شناسایی گردید (ولی‌پور، ۱۳۸۵).

مطابقت داده‌های تاریخ‌گذاری مطلق با گاهنگاری نسبی شیزر (مصطفی‌پور، ۱۳۹۰: ۱۲۰؛ Pollard et al., 2012) نشان می‌دهد که مرحله مفرغ قدیم در محوطه از حدود ۳۰۰۰ تا ۲۵۰۰ پ.م. به درازا کشیده است.

### بحث و تحلیل

همانگونه که ذکر آن گذشت آنچه از فرهنگ کورا-ارس در دشت قزوین در دست داریم مربوط به یافته‌های سطحی هفت محوطه و داده‌های یک کاوش لایه‌نگارانه است که بی‌گمان برای برداشتن نخستین گام‌ها در شناخت این فرهنگ و معرفی برخی از ویژگی‌های آن در این محدوده مناسب است.

شواهد معماری

تاکنون تپه شیزر تنها محوطه کاوش شده کورا-ارسی با آثار و شواهد معماری در دشت قزوین است. حجم این کاوش‌ها کم بوده و علیرغم وجود ساختارهای معماری متعدد در ترانسه‌ها، دانسته‌های ما از فضاهای معماری اندک است. این شواهد نشان می‌دهد که محوطه در تمامی دوره‌های شناسایی شده استقرار یافته و تداومی در سنت معمارانه آن در تمام عصر مفرغ و اوایل عصر آهن وجود دارد. در تپه شیزر برخی ویژگی‌ها نظیر نوع و نحوه چیدمان مصالح، جهت سازه‌ها و محل قرارگیری آنها تاحدودی امکان بازسازی برخی شیوه‌های معماری را فراهم می‌آورد.

شش مرحله معماری در لایه‌های مرتبط با فرهنگ کورا-ارس شیزر شناسایی شده است (مصطفی‌پور، ۱۳۹۰: ۴۴). مصالح معماری این دوره شامل خشت، چینه، قلوه‌سنگ‌های رودخانه‌ای، لاشه‌سنگ و ملات گل است. در پی‌سازی از سنگ استفاده شده و عمده دیوارها نیز از خشت ساخته شده‌اند. در گودین IV (Young, 1969: 9) لاقل بخشی از دیوارها، در تپه علی‌یورد صائین‌قلعه (نقشینه، ۱۳۹۳: ۷۴-۷۵) همه دیوارها چینه‌ای بوده و در قلعه‌تپه ابهر دیوارها چینه‌ای با پی سنگی (نقشینه، ۱۳۹۰: ج ۵۷-۵۴) هستند. در تپه ارسطو<sup>۳</sup> نیز دیوارها خشتی‌اند. به علاوه سکویی خشتی و Lمانند در پای دو دیوار و محل اتصال آنها بدست آمده است (پورفرج، ۱۳۹۰). در یانیق‌تپه (Burney, 1964: 59-60)، هفتون تپه (Burney, 1973: 157) و گوی‌تپه (Burton Brown, 1951: 34) دیوارها خشتی و در کول تپه هادی‌شهر خشتی و گهگاه سنگی [احتمالاً پی] هستند (Abedi et al., 2014: 45&47; Abedi & Omrani, 2015: 61 & 63). در شیزر کف فضاها از گل کوبیده بوده است (تصاویر ۲ و ۳). تمامی پی‌ها و دیوارهای شناسایی شده در لایه‌های کورا-ارسی شیزر، جهت شمال غربی-جنوب شرقی دارند. این جهت احتمالاً برای مقابله با بادهای سرد منطقه برگزیده شده است. علیرغم وسعت کم کاوش می‌توان دریافت که بناها راست‌گوشه بوده‌اند. همین وضعیت در معماری گودین IV (Young, 1969: 9; Rothman, 2011: 160-66)، علی‌یورد (نقشینه، ۱۳۹۳: ۷۶) و قلعه‌تپه (نقشینه ۱۳۹۰: ج ۵۴) نیز دیده می‌شود اما در شمال غرب ایران معماری مدور و راست‌گوشه از دو مرحله مختلف این فرهنگ در یانیق‌تپه (Burney, 1961: 141-74; 1962: 139-45) و کول تپه (Burton Brown, 1951: 34)، هفتون تپه (Burney, 1975: 150-53) و کول تپه (Abedi et al., 2014: 45&47) گزارش شده است. در شمال غرب گذار از معماری مدور به راست‌گوشه همراه با کاهش میزان سفال منقوش‌کننده از قدیم به جدید، عمدتاً اساسی برای تغییر مرحله فرهنگی از کورا-ارس II به III (مفرغ قدیم I به II) در نظر گرفته شده است (Burney, 1964).

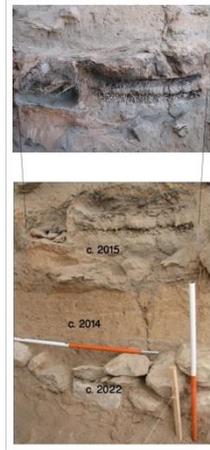


تصویر ۲: دیوار چینه‌ای و کف مربوط به آن (ولی‌پور، ۱۳۸۵: ۸۲)، تصویر ۳: نیمکت گلی و کف مربوط به آن (ولی‌پور، ۱۳۸۵: ۱۰۶)

Fig. 2: Chineh wall and its floor (Valipour, 2006: 82), Fig. 3: Clay bench and its floor (Valipour, 2006: 106)

چند مورد درباره معماری این دوره در شیزر جالب توجه است: پی و دیوارهای هر دوره دقیقاً روی دیوار دوره پیشین ساخته شده بودند بدین معنی که احتمالاً آگاهانه از بقایای دیوارهای دوره/مرحله قبل به عنوان پی یا زیرسازی برای دیوارهای دوره جدید استفاده شده است. مورد دوم جهت ثابت شمال غربی-جنوب شرقی در تمام فضاهای یافت شده و سوم حضور چهار سازه حرارتی (تنور، کوره؟ و ...) از مراحل مختلف معماری این فرهنگ است. در اطراف این سازه‌ها حجم زیادی از لایه‌های خاکستر وجود دارد که نشانگر فعالیت‌هایی احتمالاً در ارتباط با پخت و پز، پخت سفال و شاید فلزگری باشد، هرچند شواهدی از لوازم مرتبط با ذوب و تولید فلز طی کاوش بدست نیامد. قدیمی‌ترین نمونه، به احتمال نوعی سازه مرتبط با پخت و پز است (تصویر ۴)، هرچند به علت قرار گرفتن بخش اصلی این سازه در

دیواره ترانشه هم جزئیات آن آشکار نشده. مشابه این نمونه از علی‌یورد (نقشینه، ۱۳۹۳: ۱۱۲، لوح شماره ۵: ث و ج) و گودین (Rothman, 2011: Fig. 5.29) نیز بدست آمده است. از مرحله کورا-ارس I کول‌تپه شواهدی از یک چاله‌کوره سفالگری بدست آمده که بخش عمده آن تخریب شده بود (Abedi et al., 2014: 45). در گودین IV تعدادی دیوار سست و کوچک مربوط به اطراف کوره‌ها شناسایی شده که وجود نوعی منطقه صنعتی را پیشنهاد می‌دهد (Young & Levine, 1974: 17).



تصویر ۴: پایین) پی سنگی، دیوار خشتی و سازه حرارتی، بالا) جزئیات سازه حرارتی (ولی‌پور، ۱۳۸۵: ۹۲ و ۹۵)

Fig. 4: Bottom) Stone foundation, mudbrick wall, and pyrotechnical installation, top) Details of pyrotechnical installation (Valipour, 2006: 92 & 95)

#### سفال

بیش‌ترین و جامع‌ترین اطلاعاتمان در خصوص سفال کورا-ارس در دشت قزوین، مربوط به تپه شیزر است. با توجه به اینکه تعداد سفال‌های حاصل از بررسی‌ها بسیار محدود بوده و ضمناً تمامی این سفال‌ها نمونه مشابه در شیزر دارند لذا می‌توان سفال‌های کورا-ارسی شیزر را اساسی برای مطالعه سفال‌های این فرهنگ در دشت قزوین در نظر گرفت. شاخص‌ترین سفال‌های کورا-ارسی شیزر به مانند نمونه‌های مشابهشان در سایر محوطه‌ها، همان سفال‌های سیاه و خاکستری صیقلی براق و در مواردی دارای نقوش کنده هستند.

سفال‌های کورا-ارسی شیزر به ترتیب فراوانی دارای زیرگونه‌های سیاه، خاکستری، قهوه‌ای، قرمز و نخودی‌اند. نمونه‌های دورنگ بسیارند که یکی از رنگ‌ها همواره سیاه و رنگ دیگر خاکستری، قهوه‌ای، قرمز و نخودی است؛ ساخت چنین سفال‌هایی از ویژگی‌های فرهنگ کورا-ارسی است. از آنجاکه این سفال تقریباً از تمام محوطه‌های کورا-ارسی گزارش شده‌اند، به احتمال فراوان سفالگران در ساخت آنها عمدی داشته و نحوه پخت و قرار گرفتن ماده سوختی در اطراف ظروف و استفاده از مواد دیگری نظیر روغن در تولید آنها نقش مستقیم داشته است. به باور راثمن، «به احتمال زیاد سفال‌ها یا در چاله‌کوره پخته می‌شدند یا بر سطح زمین روی هم انباشته شده و در هر دو شیوه، در اطراف ظروف کاه یا هر ماده سوختی دیگر قرار گرفته و آتش زده می‌شد» (Rothman, 2011: 169). عدم احتراق کامل مواد سوختی با تولید مقدار زیادی گاز منوکسید کربن (CO) همراه می‌شد و نفوذ این گاز در سفال، رنگ آن را به نسبت شدت و ضعف مقدار موجود، سیاه تا خاکستری روشن می‌کرد (محمدی‌فر و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۸-۳۷).

بیش‌تر سفال‌های کورا-ارسی شیزر ساده بوده و حدود ۱/۱ درصد از آنها نقش کنده دارند (مصطفی‌پور، ۱۳۹۰) (تصویر ۵). ویژگی‌های فنی نمونه‌های ساده و منقوش مانند یکدیگر است. در شیزر، فقط نمونه‌های سیاه و خاکستری منقوشند. از دوران‌آباد، پیروسفیان و قشلاق نقش کنده گزارش شده؛ کلایس نیز دو نمونه نقش کنده زیگزاگ از تپه دونه معرفی کرده است (Kleiss 1996: 40, Abb. 18, 4 & 16) اما سفال‌های معرفی شده از این فرهنگ در قلامحله، خرجان و قلعه خرجان همگی ساده و بی‌نقش، برخی صیقلی براق و برخی فاقد پرداختند. همگی نیز سیاه یا دورنگ سیاه و خاکستری هستند که البته ممکن است این مساله با شیوه نمونه‌برداری مرتبط باشد.

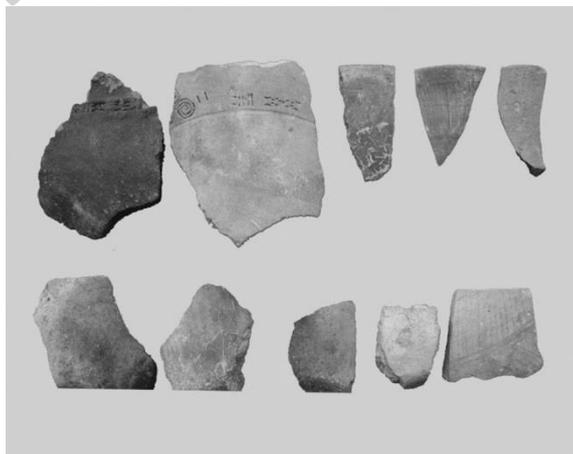


تصویر ۵: برخی از سفال‌های تپه شیزر (مصطفی‌پور، ۱۳۹۰: تصاویر ۳۶ و ۳۹)

Fig. 5: A ceramic selection of Tappeh Shizar (Mostafapour, 2011: Figs. 36 & 39)

فناوری ساخت سفال‌های کورا-ارسی شیزر در سطح نازلی قرار دارد و تنها نکته قابل توجه آنها همان سطح صیقلی براق است، مشابه نمونه‌های دوران‌آباد و پیروسیان (تصویر ۶). این وضعیت در تمامی صنعت سفالگری این فرهنگ در تمامی گستره آن عمومیت دارد و این سفال عموماً یک محصول با کیفیت پایین است (Rothman, 2011: 168). خمیره سفال‌های شیزر، دوران‌آباد و پیروسیان نیز کیفیت کمی دارند و آمیزه آنها عموماً مواد کانی درشت مانند شن است. در نمونه‌های آزمایش شده از گودین و سنگلان تپه همدان وجود فضاهای خالی، ترک و شکاف در خمیره سفال و خمیره کاملاً شکننده مشخص شده که نشانگر درجه حرارت نسبتاً پایین در پخت سفال است (Henrickson, 1989: 102). وجود چند قطعه جوش کوره در شیزر، نشان می‌دهد که سفالگران یا در موارد محدودی قادر به تولید درجه حرارت بالا بوده‌اند و یا تسلط چندانی بر حرارت کوره نداشته‌اند که احتمالاً فرض دوم صحیح‌تر است.

تمامی سفال‌های کورا-ارسی شیزر دست‌سازند. همه نمونه‌های دوران‌آباد به جز یک قطعه (فاضلی نشلی و عباس‌نژاد سرستی، ۱۳۸۵: جدول ۳-۶)، پیروسیان (فاضلی نشلی و عباس‌نژاد سرستی، ۱۳۸۵: جدول ۱۱-۶)، قلعه تپه ابهر (نقشینه، ۱۳۹۰: ج) و علی‌یورتپه (نقشینه، ۱۳۸۹: الف و ب؛ ۱۳۹۱ و ۱۳۹۳) دست‌سازند. در تپه ارسطو برخی نمونه‌ها دست‌ساز و برخی دیگر چرخ‌ساز معرفی شده‌اند (پورفرج، ۱۳۹۰: جدول ۳). در کول تپه V و IV به ترتیب ۸/۹۲٪ و ۲/۸۷٪ سفال‌ها دست‌سازند و مابقی با چرخ دور کند ساخته شده‌اند (Abedi *et al.*, 2014: 46-7). راثمن ذکر می‌کند که هیچ یک از تحلیلگران تاکنون شواهد استفاده از چرخ دور کند یا تند را در سفال‌های گودین IV ندیده‌اند (Rothman, 2011: 169). از منظر کیفیت ساخت در حدود ۶۰٪ از سفال‌های شیزر متوسط بوده و سفال‌های خشن و ظریف در جایگاه بعدی قرار دارند. استفاده از پوشش غلیظ یا رقیق در این سفال‌ها بسیار محدود (کمتر از ۵٪) است. پرداخت رایج در سطوح بیرونی و درونی نمونه‌های سیاه و خاکستری این سفال‌ها عمدتاً صیقلی براق (بیش از ۵۰٪) است. تعداد نمونه‌های با پرداخت مات کمتر از نمونه‌های فاقد پرداخت است. در گودین همه نمونه‌ها پوشش رقیق دارند (Rothman, 2011: 168).



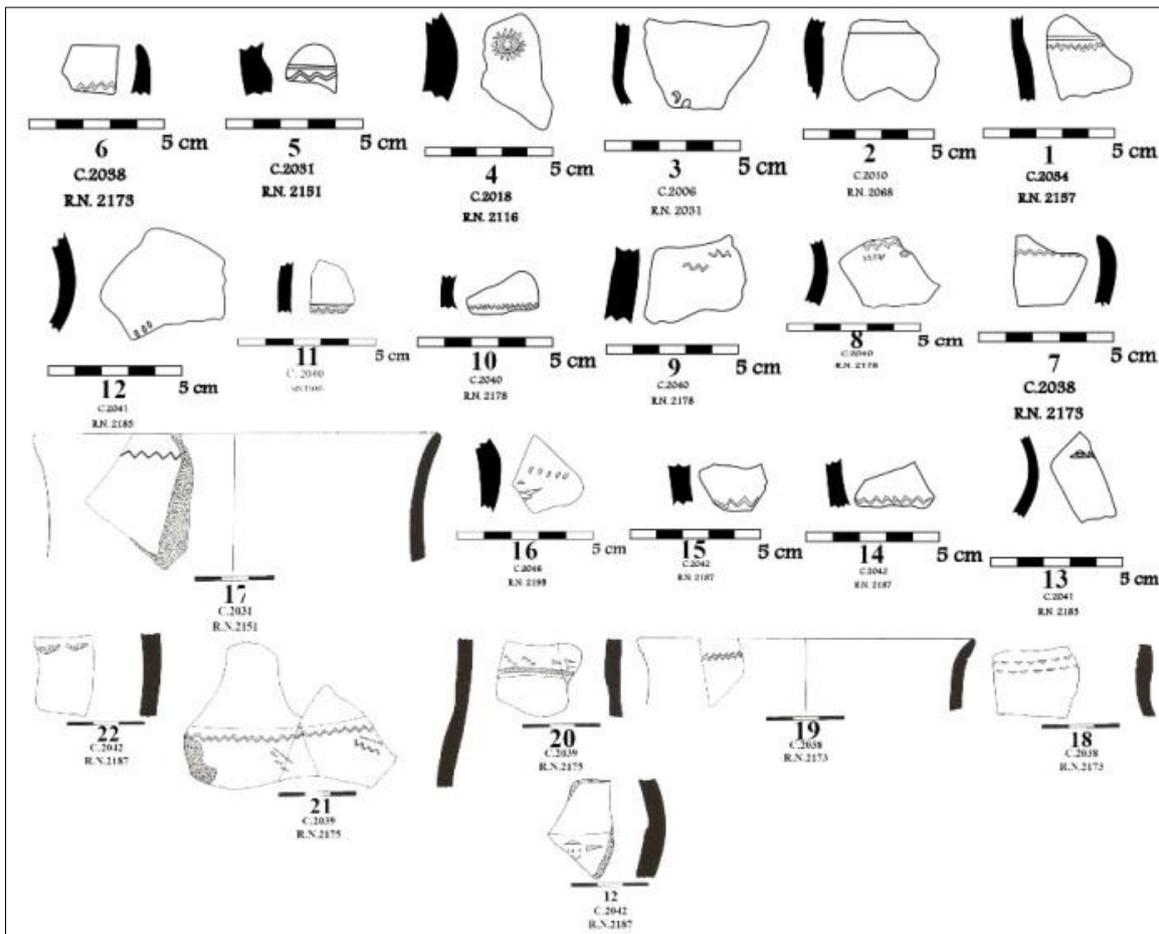
تصویر ۶: سفال‌های سطحی تپه دوران‌آباد (فاضلی نشلی و عباس‌نژاد سرستی، ۱۳۸۵: تصاویر ۸-۶)

Fig. 6: Surface ceramics of DowranAbad (Fazeli & Abbasnezhad Seresti, 2006: Figs. 8-6)

فُرم‌های سفالی شیزر به ترتیب فراوانی عبارتند از کاسه (حدود ۷۰٪) در چهار گروه دهانه باز، دهانه بسته، دهانه عمودی و گردن‌دار؛ پیاله (حدود ۱۳٪) در سه گروه گردن‌دار، دهانه بسته و معمولی؛ خمره (حدود ۱۱٪) در انواع کوچک، متوسط، بزرگ و گردن‌دار، با بدنه‌های کروی و گهگاه کشیده و بشقاب و لیوان (مجموعاً ۶٪). دسته‌ها از نوع دسته‌های معروف نخجوانی‌اند. بدنه عمده کاسه‌ها کروی است. کف بیش‌تر نمونه‌ها تخت بوده و تعداد کمی کف مقعر دارند (مصطفی‌پور، ۱۳۹۰: ۷۳-۹۵). در گودین نیز کاسه‌ها بیش‌ترین فراوانی را داشته و پس از آن خمره‌ها، پیاله‌ها، سینی‌ها و درپوش‌ها قرار دارند (Rothman, 2011: 170). در تپه پيسای همدان و تپه گوراب ملایر (مترجم، ۱۳۷۸: ۱۳۸) و نیز در ارسطوتپه (پورفرج، ۱۳۹۰: لوح ۴) خمره‌ها و کاسه‌ها بیش‌ترین فراوانی را دارند.

نقوش سفال‌های کورا-ارس شیزر تنوع چندانی ندارند و تنها بر روی سفال‌های سیاه و خاکستری ایجاد شده‌اند. این نقوش شامل زیگزاگ‌های افقی سرتاسری، مثلث‌های سرتاسری یا جدا، نقوش شبیه به خط میخی، نقطه، نیم بیضی، دو علامت > پشت سر هم مانند درجه گروهبانی افقی، خطوط مورب و در یک مورد نقش خورشید است. رایج‌ترین نقش، ردیف زیگزاگ‌های افقی است که هم به تنهایی و هم در ترکیب با سایر نقوش دیده می‌شود. نقش ردیف مثلث‌ها نیز به تنهایی یا به صورت ترکیبی استفاده شده است. سایر نقوش، عموماً در ترکیب با هم یا با نقوش زیگزاگی استفاده شده‌اند به جز نقش خورشید که یکتا بوده و تنها بر روی یک دسته ایجاد شده. به طور کلی نقوش و ترکیبات نقشی پیچیده در میان سفال‌ها وجود ندارد (طرح ۱). این امر ممکن است با سطح کم کاوش مرتبط باشد. سفال‌های منقوش کنده دوران‌آباد (فاضلی نشلی و عباس‌نژاد سرستی، ۱۳۸۵: کاتالوگ ۱-۶) و پیروسیان (فاضلی نشلی و عباس‌نژاد سرستی، ۱۳۸۵: کاتالوگ ۱۹-۶) که از بررسی بدست آمده‌اند تنوع بیش‌تری نسبت به شیزر دارند، هرچند در آنها نیز نقوش ترکیبی متنوع، چندان به چشم نمی‌خورد و بعضی از نقش‌مایه‌ها مانند ردیف زیگزاگ‌های افقی، نقوش مثلثی، نقوش شبیه به خط میخی و نقوش نقطه‌ای در هر سه محوطه مشترکند. وضعیتی مشابه در دشت تهران بر اساس سفال‌های ارسطو (پورفرج، ۱۳۹۰: لوح ۴) و تپه گلستان رباط کریم (Alibaigi & Khosravi, 2014: 55, Fig. 3) دیده می‌شود. در پيسا سفال‌های منقوش کنده ۱۵٪ مجموعه را شامل می‌شوند (مترجم، ۱۳۸۷: ۱۳۹).

در میان سفال‌های کورا-ارسی شیزر چند قطعه جوش کوره وجود دارد که این موضوع در کنار حضور کوره (؟) و لایه‌های ضخیم خاکستر و تعداد زیاد قطعات سفالی، نشانگر پخت سفال در همین محوطه است. از درون چاله کوره مرحله کورا-ارس I کول تپه، سفال‌های سالم و تغییرشکل‌یافته بدست آمده است (Abedi et al., 2014: 45). اگرچه این کوره با نمونه شیزر متفاوت است و هرچند این مرحله از فرهنگ کورا-ارس در شیزر وجود ندارد اما به هر روی نشانگر تولید سفال در محوطه‌های این فرهنگ است. وجود دیوارهای سست و کوچک دور کوره‌ها و پیشنهاد وجود منطقه صنعتی در گودین (Young & Levine, 1974: 17) و آزمایش‌های تجزیه عنصری در گودین، سنگلان تپه و تپه باباقاسم نیز دلیل دیگری بر این مدعاست. بر اساس این آزمایش‌ها می‌دانیم که سفال‌های کورا-ارس این محوطه‌ها تولید محلی و از نوع تولید خانگی هستند. البته تفاوت ساختار فیزیکی و شیمیایی آنها نسبت به دوره قبل و بعد حاکی از وارداتی بودن آمیزه آنهاست (Mason & Cooper, 1999: 28)، به این معنی که همانند آمیزه مورد استفاده در سفال‌های این فرهنگ در سایر نقاط است و نه دوره‌های پیشین همین محوطه‌ها. تنوع زیادی در خمیره سفال‌ها دیده می‌شود. اگرچه ویژگی‌های مشخصی چون دست‌ساز بودن ممکن است برای تولید متمرکز و استاندارد شده استفاده شود، این درجه از تنوع تنها می‌تواند نشان‌دهنده تولید متنوع در سطح خانگی باشد (Mason & Cooper, 1999: 28). از نظر سامرز هیچگونه شواهدی از وارداتی بودن سفال‌ها در یانیق تپه وجود ندارد (Summers, 1982: 188). این فرض که شیوه تولید سفال در عصر مفرغ قدیم شیزر نیز از نوع خانگی است با قید احتمال قابل پذیرش است چرا که شباهت‌های غیر قابل انکاری در ویژگی‌های فنی و فرم سفال‌های این محوطه‌ها با هم دیده می‌شود.



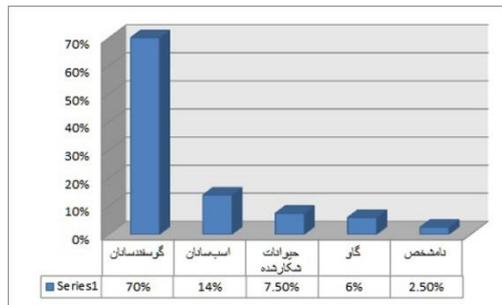
طرح ۱: طرح برخی از سفال‌های منقوش کنده تپه شیزر (مصطفی‌پور، ۱۳۹۰: طرح ۴۷)

Draw. 1: Drawing of a selection of indised ceramics of Tappeh Shizer (Mostafapour, 2006: draw. 47)

#### اقتصاد معیشتی

برای سنجش اقتصاد معیشتی فرهنگ کورا-ارس در دشت قزوین تنها بقایای گیاهی و جانوری تپه شیزر در دست است. مطالعه بقایای جانوری شیزر با هدف آگاهی از تحولات دامپروری و راهبردهای آن در اوایل هزاره سوم پ.م. در شمال فلات مرکزی بسیار حائز اهمیت است.

طیف غالب جانوران در شیزر به گوسفند، بز، گاو اهلی و سپس اسب‌سانان تعلق دارد. گوسفندسانان اهلی بیش‌ترین میزان (۷۰٪) را دارند. از این بین، حدود ۴۳٪ فاقد بارزهای شناسایی بین گوسفند و بز هستند. نسبت گوسفند به بز اهلی در این دوره ۱:۱.۳ است؛ این توزیع نشان می‌دهد که میزان گوسفندان چندان چشمگیرتر از بزها نیست. ۶٪ از استخوان‌ها نیز متعلق به گاو اهلی‌اند؛ در حالی که در دوره‌های دیگر، نسبت گاو در حدود ۱۱٪ است. افزایش میزان اسب‌سانان تا ۱۴٪ در دوره مفرغ قدیم جالب توجه است و بیش‌ترین تعداد اسب‌سانان در کل دوره‌های فرهنگی شیزر را شامل می‌شود. حیوانات شکار شده بسیار اندک هستند (۷.۵٪)، اما تنوع گونه‌ای دارند: آهو که زیستگاه آن مناطق استپی است، بیش‌ترین میزان را با ۴.۵٪ داشته و گوسفند وحشی، گوزن، گراز و بز وحشی به ترتیب در رده‌های بعدی‌اند. سگ‌سانان، خرگوش و لاک‌پشت از دیگر گونه‌های جانوری شناسایی‌شده ناچیز در مجموعه هستند (نمودار ۱). سهم اصلی در بقایای جانوری به گوسفندسانان اهلی تعلق داشته که ۱۱ برابر گاو و بیانگر ترجیح ساکنان شیزر به نگهداری و بهره‌برداری از محصولات اولیه و ثانویه گوسفندسانان است. در واقع این مسأله به راهبردهای دامپروری و شرایط زیست‌محیطی منطقه برای نگهداری و چرای گوسفندسانان باز می‌گردد. حیوانات شکار شده علی‌رغم تنوع گونه‌ای، نقش چندانی در معیشت ساکنان شیزر نداشته‌اند؛ این در حالی است که در تپه قبرستان و قره‌تپه سگرآباد (Mashkour *et al.*, 1999)، یعنی محوطه‌های دارای آثار دوره‌های پیش و پس از عصر مفرغ قدیم، شکار اهمیت بیش‌تری در اقتصاد معیشتی داشته.

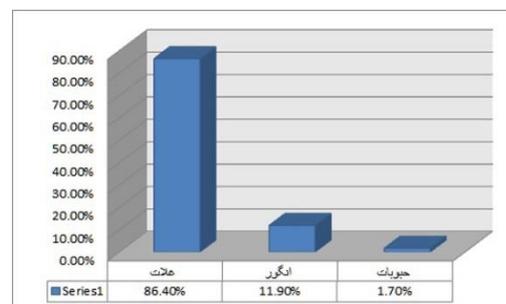
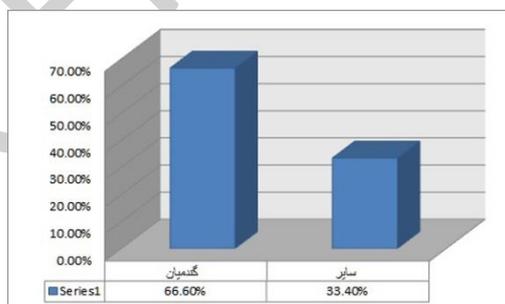


نمودار ۱: درصد فراوانی بقایای جانوری تپه شیزر (تهیه نمودار: حسین داودی)

Chart 1: Percentage frequency of faunal remains at Shizer (Chart credit: H. Davoudi)

گودین تپه نیز وضعیت مشابهی دارد. ۸۵ درصد کل استخوان‌های جانوری در گودین IV مربوط به گوسفند و بز است. شواهد دندانی و استخوانی نشان می‌دهند که این گروه در سنین بلوغ و تعدادی در سنین پیری قصابی شده‌اند. عدم وجود بقایای استخوانی از حیوانات جوان، نشانگر نگهداری بز و گوسفند خارج از محوطه است (Rothman, 2011: 178). در تپه پيسا بیش از ۵۰٪ استخوان‌ها مربوط به گوسفند و بز بوده و خر و گاو کمتر از ۲۰٪ بقایا را به خود اختصاص می‌دهند. استخوان‌های گوسفند وحشی و غزال، خرگوش، سگ و پرندگان آبی نیز با فراوانی کم در بین بقایای جانوری وجود دارد. گاوها در سنین زیر دو سال قصابی می‌شدند، مترجم این امر را نشانگر عدم استفاده از آنها در کار کشاورزی می‌داند (مترجم، ۱۳۸۷: ۳۴۹). یافت شدن سردوک‌هایی کاملاً مشابه از محوطه‌های پیش گفته، جنبه دیگری از دامپروری را در این محوطه‌ها نشان می‌دهد و آن فعالیت‌های مرتبط با تولید پشم و منسوجات است. سردوک‌های بدست آمده از لایه‌های مفرغی شیزر کاملاً قابل مقایسه با نمونه‌های معرفی شده برای گودین IV و یانیق تپه هستند. در گودین تپه علاوه بر سردوک‌ها شواهد باستان‌جانورشناسی به طور قطع نشانگر تولید پشم گوسفند و موی بز در محوطه است (Rothman, 2011: 178). در ارسال تپه ترکیه که فاصله مکانی زیادی با منطقه پژوهش دارد، نتایج مشابهی به دست آمده است؛ در گذار از لایه‌های مس‌سنگی به مفرغ (لایه‌های VII و VIA به VIB) کاهش جدی در استفاده از گوشت گاو در محوطه دیده می‌شود و هیچ شواهدی از خوک در لایه‌های مفرغ قدیم به چشم نمی‌خورد، همزمان افزایش چشمگیر در استفاده از گوسفندان دیده می‌شود و الگوی کشتار نشانگر استفاده از گوشت آنها و نیز تولیدات ثانویه مانند شیر و پشم است، این الگو در کنار شواهد زیستگاهی دیگر، نشانه اقتصادی مبتنی بر دامپروری در نظر گرفته شده است (Siracusano & Bartosiewicz, 2012).

بقایای گیاهی اهلی<sup>۴</sup> در تپه شیزر به ترتیب فراوانی شامل موارد زیر است: جو دوردیفه با پوسته (۲۰/۶٪) و پوست‌کنده (۱۸/۷٪)، گندم نان (۱۹٪)، انگور (۱۱/۹٪)، جو شش‌ردیفه (۱۱/۷٪)، نخود (۱۱/۵٪)، عدس (۰/۲٪) و تعداد زیادی دانه غلات که به دلیل آسیب‌دیدگی شدید قابل شناسایی نبودند (۲۶/۴٪). بدین ترتیب مجموع فراوانی غلات در این دوره به ۸۶/۴٪ می‌رسد (نمودار ۲). نمونه‌های گیاهان خودرو شناسایی شده این محوطه به ترتیب فراوانی شامل گندمیان (۶۶/۶٪)، گل گاوزبان (۱۰/۳٪)، روناس (۱۰/۳٪)، سنگدانه (۴/۸٪)، چشم خروس (۲/۱٪)، آدنیس (۱/۴٪)، سنبلچه چمن بز (۱/۴٪)، جگن (۱/۱٪)، ماشک بهاره (۰/۷٪)، بنگدانه (۰/۷٪)، چمن بز (۰/۳٪) و ترشک (۰/۳٪) است (نمودار ۳).



نمودار ۲: درصد فراوانی بقایای گیاهی اهلی تپه شیزر، نمودار ۳: درصد فراوانی بقایای گیاهی غیر اهلی تپه شیزر (تهیه نمودار: هنگامه ایلخانی)

Chart 2: Percentage frequency of domesticated plants at Shizer, Chart 3: Percentage frequency of non-domesticated plants at Shizer (Chart credit: H. Ilkhani)

بر اساس آمار انواع جو، گندم نان و انگور بالاترین درصد فراوانی (روی هم ۹۸/۳٪) را دارند. مطالعه بقایای گیاهی شیزر بیانگر نقش بسیار مهم دانه غلات (۸۶/۴٪) و سپس انگور (۱۱/۹٪) در اقتصاد معیشتی ساکنان محوطه و نشانگر کشاورزی مبتنی بر کشت غلاتی چون گندم و جو و باغداری مبتنی بر پرورش انگور به موازات یکدیگر است. نکته مهم دیگر این است که این محصولات همچنان در زمین‌ها و باغات اطراف محوطه کشت می‌شوند، احتمالاً پیشینه باغداری انگور در منطقه دست کم به عصر مفرغ قدیم بازمی‌گردد. در میان داده‌های گیاهی وحشی، گندمیان بیش‌ترین فراوانی را با ۶۶/۶٪ به خود اختصاص داده‌اند. این مساله نشان می‌دهد که زیست‌بوم منطقه شرایط مناسبی برای تعلیف دام داشته است. در تپه پیسا نیز شواهدی از دو گونه گندم، یک نوع جو و انگور بدست آمده است. علاوه بر آن دانه‌های گیاهی مرتعی نیز به فراوانی در محوطه یافت شده‌اند. وجود این گیاهان در محوطه نشانه مستقیم دامپروری است و آنگونه که مترجم بحث می‌کند احتمالاً از طریق سوزاندن فضولات حیوانی نشخوارکنندگان بزرگ در کوره‌ها، در لایه‌های خاکستر تپه پیسا برجای مانده‌اند (مترجم، ۱۳۸۷: ۳۵۲). در لایه VIII هفتون تپه همه غلات به استثنای ارزن کاشته می‌شد (Summers, 1982: 161). در میان غلات گندم دانه‌درشت، گندم نان و گندم معمولی (رایج‌ترین) و جو شش‌ردیفه پوست‌کنده وجود دارد که فراوانی جو و گندم تقریباً مشابه است (Summers, 1982: 169).

مردمان فرهنگ کورا-ارس به طور سنتی مردمی با رهیافت‌های معیشتی نیمه‌کوچ‌نشینی یا چراگردان پرورش‌دهنده گاو، گوسفند و بز همراه با پیشه کشاورزی در نظر گرفته شده‌اند (برنی و لانگ، ۱۳۸۶: ۸۱؛ Sagona 1984: 16). مترجم برای محوطه‌های کورا-ارسی دشت‌های شرق زاگرس الگوی ارائه می‌کند که در آن زیستگاه‌های اصلی و دائمی با کشت آبی و دیم در مرکز دشت قرار داشتند و زیستگاه‌های کوچک فصلی در کوهپایه‌ها مربوط به دامداران بودند؛ از نظر وی بین این زیستگاه‌ها ارتباطاتی بر مبنای دوری و نزدیکی از هم قابل تشخیص است (مترجم، ۱۳۸۷: ۳۶۳-۳۶۲). به نظر می‌رسد که اقتصاد معیشتی مورد نظر مترجم، ترکیبی از کشاورزی و رمه‌گردانی است که در آن ساکنان محوطه‌های اصلی لاقط بخشی از سال را در زیستگاه‌های کوچک فصلی جهت رمه‌گردانی می‌گذراندند. در دشت قزوین هر دو نوع استقرار واقع در دشت و کوهپایه شناسایی شده اما تشخیص الگوی مشابه با الگوی مترجم در آن آسان نیست، هم تعداد محوطه‌ها بسیار کم و هم فاصله میان محوطه‌های دشت و کوهپایه بسیار زیاد است. وسعت استقرارهای کوهپایه‌ای اندکی بزرگ‌تر از نمونه‌های مورد نظر مترجم است. به نظر می‌رسد اقتصاد معیشتی ساکنان شیزر و لاقط بخشی از محوطه‌های مشابه هم‌دوره در منطقه، ترکیبی از کشاورزی، باغداری و دامپروری بوده باشد. امروزه نیز ساکنان دو روستای حصار و شیزر که در نزدیکی محوطه قرار دارند از الگوی معیشتی مشابه سود می‌برند.

## نتیجه‌گیری

برآیند بررسی‌های انجام شده در دشت قزوین شناسایی نه محوطه از فرهنگ کورا-ارس است که یکی از آنها کاوش شده. با توجه به اینکه هیچ یک از بررسی‌ها پهنانگر، پیمایشی و با تمرکز بر یک دوره نبوده‌اند می‌توان به افزایش این تعداد امیدوارتر شد؛ چراکه با افزایش شناخت پژوهشگران نسبت به این فرهنگ، شمار آنها از یک محوطه (محوطه مورد اشاره نگهبان به دایسون) به نه محوطه رسیده و همه آنها نیز از دهه ۸۰ به بعد شناسایی شده‌اند. درحال حاضر با داشتن همین تعداد محوطه نیز می‌توان به آگاهی اندک ولی ملموس نسبت به برخی از ویژگی‌های این فرهنگ در زمینه معماری، سفالگری و اقتصاد معیشتی دست یافت.

در تپه شیزر می‌توان تداومی در سنت معماری محوطه از مفرغ قدیم تا اوایل عصر آهن مشاهده نمود که نوع و نحوه چیدمان مصالح، جهت سازه‌ها، راست‌گوشه بودن آنها و استفاده از بناهای مرحله پیشین برای پی‌زیرسازی در مرحله بعد همگی نشانه‌های احتمالی این الگوی ثابت هستند. متناوباً از چهار عنصر خشت، چینه، سنگ و گل (ملات یا کف) در ساخت بناها استفاده شده، مصالح بوم‌آوردی که همه‌جا در دسترس ساکنان منطقه بوده است. جهت همه سازه‌ها شمال غربی-جنوب شرقی است که به احتمال وجود یک عامل اقلیمی ثابت یعنی جهت بادهای سرد و گرم منطقه در انتخاب این جهت تاثیرگذار بوده، الگویی که از پیش‌تر در دشت قزوین رایج بوده است. با توجه به شباهت زیست‌محیطی و اقلیمی در دشت قزوین شاید بتوان الگوی معماری مشابهی را لاقط برای محوطه‌های واقع در دشت پیش‌بینی نمود.

برخلاف تصور رایج، سفال‌های کورا-ارسی رنگ‌های مختلفی چون سیاه، خاکستری، قهوه‌ای، قرمز و نخودی دارند. تعداد زیادی سفال دورنگ نیز وجود دارد که یکی از ویژگی‌های فرهنگ کورا-ارس است و به گمان در ساخت آنها عمدی وجود داشته. تنها ۱/۱٪ از سفال‌های کورا-ارسی شیزر نقش‌کنده دارند و مابقی ساده‌اند. سفال‌های این فرهنگ در دشت قزوین مرغوب نیستند، دست‌سازند و عموماً آمیزه کانی درشت داشته و معمولاً بیش از ۵۰٪ آنها پرداخت صیقلی براق دارند. باتوجه به وجود جوش کوره و سازه حرارتی

(احتمالاً کوره) در شیر در کنار حجم بالای لایه‌های خاکستر و تعداد زیاد قطعات سفالی، سفال‌ها در محوطه تولید می‌شده‌اند. هرچند برخی پژوهشگران کوره‌های این فرهنگ را عمدتاً از نوع چاله‌کوره‌ای می‌دانند، نمونه احتمالی بدست آمده از شیرز چین نیست. مین و کوپر تولید سفال‌های کورا-ارس را محلی و از نوع تولید خانگی می‌دانند (Mason & Cooper, 1999: 28). رایس چهار شیوه تولید سفال در پیش‌از تاریخ مطرح می‌کند: تولید خانگی، صنایع خانگی، صنایع کارگاهی انفرادی و کارگاه‌های هسته‌ای. از نظر وی تولید خانگی اتفاقی، ابتدایی، برای مصرف شخصی و با تکنولوژی ساده بوده و عموماً به وسیله زنان انجام می‌شده درحالی‌که در صنایع خانگی تولید تا حدی تداوم یافته‌تر، با تکنولوژی ساده و با بهره‌گیری کم از تجهیزات سرمایه‌ای همراه بوده و احتمالاً توسط زنان انجام می‌شده و در آن سفال دارای ارزش همزمان مصرفی و مبادلاتی است و برای افرادی خارج از چارچوب خانواده تولید می‌شود. این شیوه با عنوان «سفالگری برای منفعت» نیز توصیف می‌شود (Rice, 1987: 184). باتوجه به اینکه از یک سو سازه حرارتی شیرز به نسبت چاله‌کوره‌های فرهنگ کورا-ارس سرمایه‌گذاری بلندمدت‌تری در تجهیزات تولیدی است و از سوی دیگر کیفیت سفال‌های آن همچنان نامرغوب است، شیوه تولید به روش صنایع خانگی برای شیرز و با تعمیم نتایج برای شمال فلات مرکزی قابل فرض است. این مساله شاید با پیشینه طولانی مدت سفالگری در فلات مرکزی در ارتباط باشد؛ به این معنی که اگرچه اکثر پژوهشگران گسترش فرهنگ کورا-ارس را در چارچوب جابجایی‌های جمعیتی یا انتشار ایده تفسیر می‌کنند اما بی‌گمان تأثیرات بومی جوامع گذشته در هر منطقه بر این فرهنگ را نمی‌توان نادیده گرفت. از سوی دیگر معمولاً وجود کوره‌های سفالگری را در چارچوب ایجاد ساختارها یا تجهیزات تولید، سرمایه‌گذاری برای تولید و به ویژه تولید انبوه تفسیر می‌کنند. بر این اساس چنانچه سازه حرارتی به دست آمده از شیرز کوره سفالگری باشد باید احتمال تولید در سطح کارگاهی را نیز در نظر گرفت.

بر اساس مطالعه بقایای جانوری شیرز و مقایسه آن با مجموعه‌های هم‌دوره در مناطق هم‌جوار گرایش زیاد ساکنان این فرهنگ به گوسفندسانان اهلی، کاهش اهمیت شکارگری، کاهش استفاده از گاو و افزایش استفاده از اسب‌سانان نسبت به دوره‌های پیشین محرز است و نشانگر ترجیح ساکنان به نگهداری و بهره‌برداری از محصولات اولیه و ثانویه گوسفندسانان است. یافت سردوک‌هایی کاملاً مشابه از محوطه‌های این فرهنگ، وجود فعالیت‌های مرتبط با تولید پشم و منسوجات را گوشزد می‌کند. در کنار این مساله حجم بالای گیاهان مرتعی و فراوانی استفاده از دانه‌های غلات و انگور نشانگر استفاده از مراتع، کشاورزی مبتنی بر کشت جو و گندم و باغداری مبتنی بر پرورش انگور است. وضعیتی کاملاً مشابه در روستاهای امروزی شمال فلات مرکزی دیده می‌شود. بر این اساس می‌توان الگوی معیشتی ترکیبی مبتنی بر کشاورزی، باغداری و دامپروری را برای جوامع فرهنگ کورا-ارس در دشت قزوین پیشنهاد نمود؛ هرچند باتوجه به الگوی ارائه شده توسط مترجم ممکن است بخشی از جوامع که به مناطق کوهپایه‌ای نزدیک‌تر بودند از کشاورزی و رمه‌گردانی بهره گرفته باشند، فرضی که برای منطقه مورد بحث نیازمند پژوهش گسترده‌تری است.

در پایان بر مبنای تاریخ‌گذاری مطلق تپه شیرز و شباهت‌های فرهنگ مادی محوطه‌های هم‌دوره شمال فلات مرکزی با این محوطه، احتمالاً دوام این فرهنگ در منطقه از ۳۰۰۰ تا ۲۵۰۰ پ.م. و همزمان با مرحله کورا-ارس II بوده باشد. با توجه به حضور پررنگ فرهنگ سگزآباد (مراحل مفرغ میانی و جدید) در شمال فلات مرکزی و دشت قزوین به نظر نمی‌رسد که مرحله کورا-ارس III در منطقه وجود داشته باشد. آنچه گفته آمد مبتنی بر شواهد و مدارک یافت شده تاکنون بوده و ممکن است یافته‌های جدیدتر، پرتوی تازه و متفاوت بر دانسته‌هایمان بیفکند.

## سپاسگزاری

از جناب آقای دکتر حسین داودی و سرکار خانم دکتر مرجان مشکور برای مطالعه بقایای جانوری تپه شیرز و در اختیار نهادن نتایج آن سپاسگزاریم. این بقایا در بخش باستان‌جانورشناسی آزمایشگاه باستان‌سنجی دانشگاه تهران مطالعه شده‌اند، از رییس وقت آزمایشگاه سرکار خانم دکتر هاید لاله و معاون پژوهشی وقت مؤسسه جناب آقای دکتر احمد علی‌یاری که اجازه انجام این مطالعات را دادند، تشکر می‌نماییم. از جناب آقای دکتر فرزاد مافی برای در اختیار نهادن نتایج حاصل از بررسی آبیگ نیز سپاسگزاریم.

## تعارض منافع

نگارندگان ضمن رعایت اخلاق نشر در ارجاع، هیچ گونه تعارض منافی با هم ندارند.

- ۱- این فرهنگ نام‌ها و تقسیم‌بندی‌های مختلفی دارد که در اینجا مجال پرداختن به آنها نیست. مثلاً سیدوف چهار مرحله شکل‌گیری، I، II و III (Seyidov, 2000) برای این فرهنگ در نظر می‌گیرد. برای بحثی جامع در این باره بنگرید به Smith, 2005: 250-60.
- ۲- متأسفانه بسیاری از این بررسی‌ها، منطقه مورد نظر خود را به طور کامل پوشش نداده و حتی به نحوه انجام برخی از آنها انتقاد جدی وارد است.
- ۳- در برخی از منابع با نام اُستور (Ostur) ثبت شده است (بنگرید به Piller, 2012).
- ۴- بقایای گیاهی شیزر توسط هنگامه ایلخانی مطالعه شده و نتایج کامل آن در مقاله‌ای مجزا توسط ایلخانی و ولی‌پور آماده انتشار است.

## کتابنامه

- آصف‌زاده، محمدباقر، (۱۳۷۴). *قزوین در گذرگاه هنر*. قزوین: انتشارات بحرالعلوم.
- بیگلری، فریدون، (۱۳۸۲)، "نرگه: نخستین شواهد پارینه‌سنگی میانی در دشت قزوین، شمال غربی فلات مرکزی". در: *گزارش‌های باستان‌شناسی (۲)*. تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی: ۱۷۲-۱۶۵.
- برنی، چارلز و مارشال لانگ، (۱۳۸۶). *تاریخ اقوام کوه‌نشین شمال غرب ایران*. ترجمه هوشنگ صادقی، تهران: انتشارات نگاه.
- پورفرج، اکبر، (۱۳۹۰). «گزارش نخستین فصل کاوش در تپه ارسطو». مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- رضایی کلج، محمدرضا، (۱۳۸۴). «گزارش ثبت تپه‌ها و محوطه‌های باستانی شهرستان آبیک». مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- زنده‌دل، حسن، (۱۳۷۷). *مجموعه راهنمای جامع ایرانگردی؛ استان قزوین*. تهران: نشر ایرانگردان.
- سرلک، سیامک، (۱۳۸۹). *فرهنگ هفت هزار ساله شهر قم (کاوش‌های باستان‌شناختی محوطه قلی درویش جمکران - قم)*، قم: انتشارات نقش.
- سرلک، سیامک، (۱۳۹۰). «گاهنگاری مقایسه‌ای و تطبیقی محوطه قلی‌درویش (و دشت قم)». در: *باستان‌شناسی و تاریخ قم (کاوش‌های باستان‌شناختی محوطه قلی‌درویش جمکران - قم)*، قم: انتشارات شاخص: ۳۸۴-۳۸۳.
- سلطانیه، فرخنده، (۱۳۸۰). «پرونده ثبتی تپه شماره ۳ قشلاق». مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی استان قزوین (منتشر نشده).
- طلایی، حسن، (۱۳۷۶). «خلاصه گزارش مقدماتی فصل نهم (۱۳۷۶) کاوش در تپه سگزآباد دشت قزوین». در: *خلاصه مقالات دومین گردهمایی باستان‌شناسی ایران، تهران: سازمان میراث فرهنگی: ۶۷-۶۶*.
- طلایی، حسن، (۱۳۷۸). «نویافته‌های معماری عصر مفرغ جدید در تپه سگزآباد دشت قزوین». در: *مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد ۲، تهران: سازمان میراث فرهنگی: ۳۵۵-۳۴۳*.
- عسگری، محمدرضا، (۱۳۹۶). «کاوش اضطراری و گمانه‌زنی به منظور تعیین عرصه و پیشنهاد حریم تپه شیره‌تل (شیره‌پزخانه روستای دیزج)». مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- عظیم‌زاده، هوشنگ، (۲۵۳۵). «بررسی و شناسایی و تعیین حرائم آثار باستانی و بناهای تاریخی استان مرکز، گزارش بررسی منطقه قزوین، بخش آبیک». ۳ جلد، مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- فاضلی نشلی، حسن، (۱۳۸۰). «بررسی‌های باستان‌شناسی در دشت تهران». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، ۴۸(۱۶۰): ۱۹۷-۲۱۵. [https://jflh.ut.ac.ir/article\\_13533.html](https://jflh.ut.ac.ir/article_13533.html)
- فاضلی نشلی، حسن؛ عباس‌نژاد سرستی، رحمت، (۱۳۸۵). «بررسی‌های باستان‌شناسی در دشت قزوین». در: *باستان‌شناسی دشت قزوین: از هزاره ششم تا هزاره اول قبل از میلاد*، به کوشش حسن فاضلی نشلی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۲۴۲-۱۸۳.
- فاضلی نشلی، حسن؛ دارابی، حجت؛ ناصری، رضا؛ و فلاحیان، یوسف، (۱۳۹۰). «گاهنگاری مطلق و نسبی تپه سگزآباد دشت قزوین». *مجله مطالعات باستان‌شناسی*، ۱۱(۳): ۱۵۸-۱۳۳. [https://jarcs.ut.ac.ir/article\\_28699.html](https://jarcs.ut.ac.ir/article_28699.html)
- گنجوی، سعید، (۱۳۷۹). «گزارش سومین فصل کاوش تپه نرگه تاکستان». مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- مافی، فرزاد، (۱۳۸۵). «گزارش فاز اول بررسی و شناسایی باستان‌شناختی شهرستان آبیک». مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- مافی، فرزاد؛ و آخوندی، رضا، (۱۳۸۸). «گزارش مقدماتی فصل اول بررسی و شناسایی باستان‌شناختی دامنه‌های جنوبی البرز در محدوده شهرستان آبیک». *پیام باستان‌شناس*، ۶(۱۱): ۹۷-۱۱۰. [https://journals.iau.ir/article\\_704016.html](https://journals.iau.ir/article_704016.html)

- مافی، فرزاد؛ و آخوندی، رضا، (۱۳۸۹). «گزارش فصل دوم بررسی و شناسایی باستان‌شناختی شهرستان آبیگ». مرکز اسناد پژوهش‌شکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- مترجم، عباس، (۱۳۸۷). «بررسی و تحلیل الگوهای استقرار دوره مفرغ قدیم در دشتهای پیرامون کوهستان الوند-همدان». رساله دکتری، گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران (منتشر نشده).
- مجیدزاده، یوسف، (۱۳۵۶). «حفریات در تپه قبرستان سگزآباد». *مجله مارلیک*، ۲: ۵۳-۷۱.
- محمدی‌فر، یعقوب؛ مترجم، عباس؛ و نیکنمی، کمال‌الدین، (۱۳۹۰). «معرفی و طبقه‌بندی برخی از نقوش گرافیکی و هندسی تزئینی کنده بر روی سفال‌های عصر مفرغ قدیم بر اساس مدارک بدست آمده از تپه پیسا همدان». *پیام باستان‌شناسی*، ۸(۱۶): ۳۵-۴۸. [https://journals.iau.ir/article\\_703816.html](https://journals.iau.ir/article_703816.html)
- مصطفی‌پور، ایمان، (۱۳۹۰). «گونه‌شناسی و گاهنگاری نسبی سفال‌های عصر مفرغ تپه شیزر تاکستان». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران (منتشر نشده).
- ملاصالحی، حکمت‌الله، (۱۳۸۶). «گزارش بررسی محوطه‌های جنوب کوهستانی دشت قزوین (بوئین‌زهران)». مرکز اسناد پژوهش‌شکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- ملاصالحی، حکمت‌الله، (۱۳۸۷). «گزارش دومین فصل بررسی‌های باستان‌شناختی بوئین‌زهران و آوج». مرکز اسناد پژوهش‌شکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- ملک شه‌میرزادی، صادق، (۱۳۵۶). «گزارش مقدماتی فصل اول و دوم حفاری تپه سگزآباد (سال‌های ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰)». *مجله مارلیک*، ۲: ۹۸-۸۱.
- ملک شه‌میرزادی، صادق، (۱۳۸۲). *ایران در پیش‌ازتاریخ: باستان‌شناسی ایران از آغاز تا سپیده‌دم شهرنشینی*، چاپ دوم، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.
- نقشینه، امیرصادق، (۱۳۸۹). «گزارش مقدماتی نخستین فصل کاوش علی‌یورد تپه صائین‌قلعه استان زنجان». مرکز اسناد پژوهش‌شکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- نقشینه، امیرصادق، (۱۳۹۰ الف). «گزارش مقدماتی دومین فصل کاوش در علی‌یورد تپه صائین‌قلعه، استان زنجان». مرکز اسناد پژوهش‌شکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- نقشینه، امیرصادق، (۱۳۹۰ ب). «گزارش مقدماتی فصل اول کاوش در تپه علی‌یورد، صائین‌قلعه - استان زنجان». *پیام باستان‌شناسی*، ۸(۱۵): ۹۳-۱۱۲. [https://journals.iau.ir/article\\_703859.html](https://journals.iau.ir/article_703859.html)
- نقشینه، امیرصادق، (۱۳۹۰ ج). «گزارش مقدماتی فصل اول کاوش در قلعه‌تپه ابرهر». مرکز اسناد پژوهش‌شکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- نقشینه، امیرصادق، (۱۳۹۱). «گزارش مقدماتی سومین فصل کاوش در علی‌یورد تپه صائین‌قلعه، استان زنجان». مرکز اسناد پژوهش‌شکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- نقشینه، امیرصادق، (۱۳۹۳). «گزارش مقدماتی چهارمین فصل کاوش در علی‌یورد تپه صائین‌قلعه، استان زنجان». مرکز اسناد پژوهش‌شکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- نگهبان، عزت‌الله، (۱۳۵۱). «گزارش مقدماتی دو ماهه عملیات حفاری منطقه سگزآباد». *مجله مارلیک*، ۱: ۲۴-۱.
- نگهبان، عزت‌الله، (۱۳۵۶). «حفاری دشت قزوین (فصل‌های ۱۳۵۱ و ۱۳۵۰)». *مجله مارلیک*، ۲: ۵۲-۳۳.
- نگهبان، عزت‌الله، (۱۳۷۶). *مروری بر ۵۰ سال باستان‌شناسی ایران، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور*.
- نیکنمی، کمال‌الدین، (۱۳۸۷). «گزارش مقدماتی کاوش‌های باستان‌شناختی گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران در تپه سگزآباد دشت قزوین». مرکز اسناد پژوهش‌شکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- نیکنمی، کمال‌الدین؛ و عزیزی خرائقی، محمدحسین، (۱۳۸۸). «گزارش مقدماتی کاوش تپه سگزآباد». مرکز اسناد پژوهش‌شکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- نیکنمی، کمال‌الدین؛ فاضلی‌نشلی، حسن؛ و عزیزی خرائقی، محمدحسین، (۱۳۸۸). «گزارش مقدماتی کاوش‌های باستان‌شناسی گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران در تپه سگزآباد». مرکز اسناد پژوهش‌شکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).

- ورجاوند، پرویز، (۱۳۴۹). *سرزمین قزوین (سابقه تاریخی و آثار باستانی و بناهای تاریخی سرزمین قزوین)*، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی ۷۴.

- ورجاوند، پرویز، (۱۳۷۷). *سیمای تاریخ و فرهنگ قزوین (دفتر نخست، جغرافیا، محیط زیست، تاریخ)*، تهران: نشر نی.

- ولی پور، حمیدرضا، (۱۳۸۵). «گزارش مقدماتی کاوش لایه‌نگارانه تپه شیرز». مرکز اسناد پژوهشگاه باستان‌شناسی (منتشر نشده).

- ویت، مری ماتیلدا؛ و دایسون، رابرت هنری، (۱۳۸۲). *گاهنگاری ایران از حدود هشت هزار تا دو هزار پیش از میلاد*، ترجمه اکبر پورفرج و احمد چایچی امیرخیز، تهران: نسل باران.

- یداللهی، سیماء؛ و عزیزى خرنقى، محمدحسین، (۱۳۸۹). «گزارش مقدماتی کاوش تپه سگزآباد». مرکز اسناد پژوهشگاه باستان‌شناسی (منتشر نشده).

- Abedi, A., Khatib Shahidi, H., Chataigner, C., Niknami, K., Eskandari, N., Kazempour, M., Pirmohammadi, A., Hosseinzadeh, J., & Ebrahimi, G., (2014). "Excavations at Kul Tepe (Hadishahr), North-Western Iran, 2010: First Preliminary Report". *Journal of Ancient Near Eastern Studies* 51: 33-165. <https://doi.org/10.2143/ANES.51.0.3038717>

- Abedi, A., & Omrani, B., (2015). "Kura-Araxes Culture and North-Western Iran: New Perspectives from Kul Tepe Jolfa (Hadishahr)". *Paléorient* 41(1): 55-68. [https://www.persee.fr/doc/paleo\\_0153-9345\\_2015\\_num\\_41\\_1\\_5655](https://www.persee.fr/doc/paleo_0153-9345_2015_num_41_1_5655)

- Alibaigi, S., & Khosravi, S., (2014). "Some Socio-Economic Evidence from Iron Age Societies of the Iranian Central Plateau". *IRAN* LII: 53- 64.

- Asefzadeh, M., (1995). *Qazvin at the Passage of Art*. Qazvin: Bahr al-Uloom (in Persian).

- Batiuk, S.D., & Rothman, M., (2007). "Early Transcaucasian Cultures and Their Neighbors: Unraveling Migration, Trade, and Assimilation". *Expedition* 49(1): 7-17.

- Asgari, M., (2017). "Emergency Excavation and Delimitation Soundings of Shiretal in Dizaj village". ICAR archive (Unpublished) (in Persian).

- Azimzadeh, H., (1977). "Survey, Identification and Determination of Ancient Sites and Historical Monuments in Markaz Province, Qazvin Region, Abyek District". 3 Vols., ICAR archive (Unpublished) (in Persian)

- Biglari, F., (2003), "Narga: The first evidence of the Middle Paleolithic in the Qazvin Plain, northwest of the Central Plateau". in: *Archaeological Reports (2)*. Tehran: ICAR: 165-172 (in Persian).

- Burney, C.A., (1961). "The Excavations at North Western Iran". *IRAQ*, XXIII: 138-153.

- Burney, C.A., (1962). "The Excavations at Yanik Tepe, Azerbaijan, 1961, Second preliminary Report". *IRAQ* XXIV: 134-149.

- Burney, C.A., (1964). "The Excavation at Yanik Tepe, Azerbaijan, 1962, Third Preliminary Report". *IRAQ*, XXVI: 54-62.

- Burney, C.A., (1973). "Excavations at Haftvan Tepe, 1971, Third Preliminary Report". *IRAN*. XI: 153-172.

- Burney, C.A., (1975). "Excavations at Haftvan Tepe, 1973, Fourth Preliminary Report". *IRAN*, XIII: 149-165.

- Burney, C.A., and Lang, D.M., (1971). *The people of the Hills: Ancient Ararat and Caucasus*. History of Civilization series. London: Weidenfeld & Nicolson.

- Burton Brown, T., (1951). *Excavations in Azerbaijan 1948*, London, John Murray.

- Dyson, R.H.Jr., (1991). "The Neolithic through the Bronze age in Northwestern and North Central Plateau". In: Yarshater, E., (ed.), *Encyclopaedia Iranica*, Vol.V, Fascicle 3, Costa Mesa, California, Mazda Publisher: 265-275.

- Fazeli, N.H., (2001). "An Investigation of Craft Specialisation and Cultural Complexity of the Late Neolithic and Chalcolithic Periods in the Tehran Plain". Ph.D. Dissertation, University of Bradford (Unpublished).

- Fazeli N.H., (2001). "Archaeological Survey in the Tehran Plain". *Journal of Faculty of Humanities and Human Sciences of the University of Tehran* 48(160): 197-215 [https://jflh.ut.ac.ir/article\\_13533.html](https://jflh.ut.ac.ir/article_13533.html) (in Persian).
- Fazeli N.H., and Abbasnezahd Seresti, R., (2006). "Archaeological Survey in the Qazvin Plain". in: *Archaeology of Qazvin Plain, from Sixth to First millennium B.C.*, Fazeli, H., (Ed.), Tehran: University of Tehran Press: 183-242 (in Persian).
- Fazeli, N.H., Beshkani, A., Markosian, A., Ilkhani, H., Abbasnegad Seresty, R., & Young, R., (2009). "The Neolithic to Chalcolithic Transition in the Qazvin Plain, Iran: Chronology and subsistence strategies". *Archäologische Mitteilungen Aus Iran Und Turan* 41: 1-21.
- Fazeli N.H., Darabi, H., Naseri, R., and Fallahian, Y., (2011). "Absolute and Relative Chronology of Segzabad in the Qazvin Plain". *Journal of Archaeological Studies* 1(3): 133-158 [https://jarcs.ut.ac.ir/article\\_28699.html](https://jarcs.ut.ac.ir/article_28699.html) (in Persian).
- Fazeli, N.H., Valipour, H.R., & Azizi Kharanaghi, M.H., (2013). "The Late Chalcolithic and Early Bronze Age in the Qazvin and Tehran Plains: A Chronological Perspective". In: Petrie, C.A., (Ed.), *Ancient Iran and its Neighbours, Local Developments and Long-range Interactions in the Fourth Millennium BC.*, Oxford and Oakville, Oxbow Books: 107-129.
- Ganjavi, S., (2000). "Report of the Third Season of Excavations at Tappeh Narge". ICAR archive (Unpublished) (in Persian).
- Henrickson, R., (1989). "The Buff and the Grey: Ceramic Assemblages and Cultural Process in the Third Millennium BC Central Zagros, Iran". In: McGovern, M., Notis, M., & Kingery, W., (Eds.), *Cross-Craft and Cross-Cultural Interactions in Ceramics*, Ceramics and Civilization IV, Westerville, American Ceramic Society: 81-146.
- Kleiss, W., (1996). "Fundplätze in der Umgebung von Teheran". *Archäologische Mitteilungen aus Iran* 28: 29-83.
- Mafi, F., (2006). "Report of the First Phase of the Archaeological Survey in the Abyek County". ICAR archive (Unpublished) (in Persian).
- Mafi, F., and Akhoundi, R., (2009). "Preliminary Report of the First Season of the Archaeological Survey in the Southern Slops of Alborz Mountains in Abyek County". *Payām-e Bāstānshenās* 6(11): 97-110 [https://journals.iau.ir/article\\_704016.html](https://journals.iau.ir/article_704016.html) (in Persian).
- Mafi, F., and Akhoundi, R., (2010). "Report of the Second Season of the Archaeological Survey in the Abyek County". ICAR archive (Unpublished) (in Persian).
- Majidzadeh, Y., (1981). "Sialk III and the Pottery Sequence at Tepe Ghabristan: The Coherence of the Cultures of the Iranian Central Plateau". *IRAN*, XIX: 141-146.
- Majidzadeh, Y., (1977). "Excavations at Tepe Qabristan of Segzabad". *Marlik* 2: 53-71 (in Persian).
- Malek Shahmirzadi, S., (1977). "Preliminary Report of the First and Second Season of Excavations at Tepe Segzabad (1970-71)". *Marlik* 2: 81-98.
- Malek Shahmirzadi, S., (2003). *Iran in Prehistory*. (2<sup>nd</sup> Ed.), Tehran: Cultural Heritage Organization.
- Mashkour, M., Fontugne, M., & Hatte, C., (1999). "Investigations on the evolution of subsistence economy in the Qazvin Plain (Iran) from the Neolithic to the Iron Age". *Antiquity* 73: 65-76.
- Mason, R.B., & Cooper, L., (1999). "Grog, Petrology and Early Trans Caucasians at Godin Tepe". *IRAN*, XXXVII: 25-32.
- Matthews, R., & Fazeli, N.H., (2022). *The Archaeology of Iran from the Palaeolithic to the Achaemenid Empire*, Routledge World Archaeology, Taylor & Francis Ltd. <https://doi.org/10.4324/9781003224129>
- Mohammadifar, Y., Motarjem, A., and Niknami, K., (2011). "Classification of Some Incised Graphical & Geographical Designs on Late Bronze Age Pottery from Tepe Pissa- Hamedan". *Payām-e Bāstānshenās* 8(16): 35-48 [https://journals.iau.ir/article\\_703816.html](https://journals.iau.ir/article_703816.html) (in Persian).
- Mollasalehi, H., (2007). "Survey Report of the sites in Southern Mountains of Qazvin Plain (BuenZahra)". ICAR archive (Unpublished) (in Persian).

- Mollasalehi, H., (2008). "Report on the Second Season of Archaeological Surveys of BueenZahra and Avaj". ICAR archive (Unpublished) (in Persian).
- Mostafapour, I., (2011). "Typology and Relative Chronology of Bronze Age Pottery of Tepe Shizar". M.A. Dissertation, University of Tehran (Unpublished) (in Persian).
- Naghshineh, A.S., (2010). "Preliminary Report of the First Season of Excavations at Aliyourd Tappeh, Saein Qal'e, Zanjan Province". ICAR archive (Unpublished) (in Persian).
- Naghshineh, A.S., (2011a). "Preliminary Report of the Second Season of Excavations at Aliyourd Tappeh, Saein Qal'e, Zanjan Province". ICAR archive (Unpublished) (in Persian).
- Naghshineh, A.S., (2011b). "Preliminary Report of the First Season of Excavations at Aliyourd Tappeh, Saein Qal'e, Zanjan Province". *Payām-e Bāstānshenās* 8(15): 93-112 [https://journals.iau.ir/article\\_703859.html](https://journals.iau.ir/article_703859.html) (in Persian).
- Naghshineh, A.S., (2011c). "Preliminary Report of the First Season of Excavations at Qal'e Tappeh of Abhar". ICAR archive (Unpublished) (in Persian).
- Naghshineh, A.S., (2012). "Preliminary Report of the Third Season of Excavations at Aliyourd Tappeh, Saein Qal'e, Zanjan Province". ICAR archive (Unpublished) (in Persian).
- Naghshineh, A.S., (2014). "Preliminary Report of the Fourth Season of Excavations at Aliyourd Tappeh, Saein Qal'e, Zanjan Province". ICAR archive (Unpublished) (in Persian).
- Negahban, E., (1972). "Preliminary Report on Two-Month Excavations in the Segzabad Area". *Marlik* 1: 1-24 (in Persian).
- Negahban, E., (1977). "Excavations of Qazvin Plain (Seasons of 1971-72)". *Marlik* 2: 33-52 (in Persian).
- Negahban, E., (1997). *A Review of 50 Years of Iranian Archaeology*. Tehran: Cultural Heritage Organization (in Persian).
- Niknami, K., (2008). "Preliminary Report of Archaeological Excavations by the Department of Archaeology, University of Tehran, in the Segzabad, Qazvin Plain". ICAR archive (Unpublished) (in Persian).
- Niknami, K., and Azizi Kharanaghi, M.A., (2009). "Preliminary Report of the Excavation at Segzabad". ICAR archive (Unpublished) (in Persian).
- Niknami, K., Fazeli, N.H., and Azizi Kharanaghi, M.A., (2009). "Preliminary Report of Archaeological Excavations by the Department of Archaeology, University of Tehran, in the Segzabad". ICAR archive (Unpublished) (in Persian).
- Pollard, A.M., Davoudi, H., Mostafapour, I., Valipour, H.R., & Fazeli N.H., (2012), "A New Radiocarbon Chronology for the Late Neolithic to Iron Age in the Qazvin Plain, Iran". *International Journal of Humanities* 19 (3): 110-151. [20.1001.1.25382640.2012.19.3.3.7](https://doi.org/10.1001.1.25382640.2012.19.3.3.7)
- PourFaraj, A., (2011). "First Season Report of Excavations at Tepe Arastu". ICAR archive (Unpublished) (in Persian).
- Rezaei Kallaj, M., (2005). "Report on the registration of ancient sites in Abyek County". ICAR archive (Unpublished) (in Persian).
- Rice, P.M., (1987). *Pottery Analysis: A Sourcebook*, Chicago, the university of Chicago press.
- Rothman, M.S., (2011). "Migration and Resettlement: Godin Period IV". In: Gopnik, H., & Rothman, M.S., (Eds.), *On the High Road: The History of Godin Tape, Iran*, Costa Mesa, Toronto & Ontario, Mazda Publisher in association with the Royal Ontario Museum Press: 139-208.
- Sagona, A.G., (1984). *The Caucasian Region in the Early Bronze*, BAR International Series 214, Oxford.
- Sarlak, S., (2010). *Qom, Seven-Thousand-Year-Old Culture*. Qom: Naqsh publication (in Persian).
- Sarlak, S., (2011). "Comparative chronology of the Qoli Darvish (and the Qom plain)". in: *Archaeology and History of Qom*. Qom: Shakhesh publication: 383-384 (in Persian).
- Seyidov, A., (2000). *Nakhichevan Ulk Tunj Dovru Abideleri ve Onlari Dovrleshdirilmesi*, Baku, Chashioglu metbeesi.

- Siracusano, G., & Bartosiewicz, L., (2012). "Meat Consumption and Sheep/Goat Exploitation in Centralised and Non-Centralised Economies at Arsalantepe, Anatolia". *ORIGINI*, XXXIV: 111-123.
- Smith, A.T., (2005). "Prometheus Unbound: Southern Caucasia in Prehistory". *Journal of World Prehistory* 19: 229-279. <https://doi.org/10.1007/s10963-006-9005-9>
- Soltaniyeh, F., (2001). "Registration file of Tappeh Qeshlaq 3". ICHHTO of Qazvin archive (Unpublished) (in Persian).
- Summers, G.D., (1982). *A Study of the Architecture, Pottery, and Other Materials from Yanik Tepe, Haftavan VIII, and Related Sites*, 2 Vols., Ph.D. Dissertation, University of Manchester (Unpublished).
- Talai, H., (1983). "Late Bronze Age and Iron Age 1 Architecture in Sagzabad-Qazvin Plain-the Central Plateau of Iran". *Iranica Antiqua*, XVIII: 51-57.
- Talai, H., (1984). "Note on Bronze Artifacts at Sagzabad in Qazvin Plain, Iran, Circa 1400 B.C.". *Iranica Antiqua*, XIX: 31-40.
- Talai, H., (1998). "A Summary of the Preliminary Report of the Ninth Season (1997) of the Excavation of the Segzabad in the Qazvin plain". in: *Abstracts of the Second Iranian Archaeological Conference*, Tehran: Cultural Heritage Organization: 66-67 (in Persian).
- Talai, H., (1999). "New discoveries of Late Bronze Age Architecture in the Segzabad in the Qazvin Plain". in: *Proceedings of the Second Congress on the History of Architecture and Urban Planning of Iran*, Vol. 2, Tehran: Cultural Heritage Organization: 343-355 (in Persian).
- Varjavand, P., (1970). *The Land of Qazvin (History, Antiquities and Historical Monuments of Qazvin)*, Tehran: National Antiquities Association Publications 74 (in Persian).
- Varjavand, P., (1998). *History and Culture Profile of Qazvin (First Vol., Geography, Environment, History)*, Tehran: Ney Publication (in Persian).
- Valipour, H.R., (2006). "Preliminary Report of the Stratigraphical Excavation at Tepe Shizar". ICAR archive (Unpublished) (in Persian).
- Voigt, M.M., & Dyson, R.H.Jr., (1992). "The Chronology of Iran, ca. 8000-2000 B.C.". In: Erich, R.W. (ed.), *Chronology in Old World Archaeology*, 3<sup>rd</sup> Edition, 2 Vol., University of Chicago Press, Chicago: 78-96.
- Yadollahi, S., and Azizi Kharanaghi, M.H., (2010). "Preliminary Report of the Excavation at Segzabad". ICAR archive (Unpublished) (in Persian).
- Young, T.C.Jr., & Levine, L.D., (1974). *Excavations of the Godin Project: Second Progress Report*, Occasional Paper 26, Art and Archaeology, Royal Ontario Museum (ROM).
- Zendedel, H., (1998). *Comprehensive Guide to Iran Travel, Qazvin Province*. Tehran: Irangardan Publication (in Persian).